

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ارسال و پیشگفتار از: حمید محوی
۲۰ جون ۲۰۱۷

پیشگفتار:

مقاله حاضر به قلم رفیق ا.م. شیرزی زیر عنوان «ویار اتمی رئیس جمهور» در ۲۵ عقرب ۱۳۸۸، سال ۲۰۰۹ یعنی تقریباً ۸ سال پیش از این نوشته شده و نشان می دهد که نظریات دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا درباره استفاده از سلاح هسته ای در ادامه نظریات رئیس جمهور پیشین واقع شده است. او این مقاله را در پاسخ به مقاله «حمله اتمی ایالات متحده علیه ایران تا دو سال دیگر» (گاهنامه هنر و مبارزه- حمید محوی ۱۷ جون ۲۰۱۷) فرستاده است.

ا.م. شیرزی در گفت و گو درباره احتمال حمله اتمی به ایران گفت: «من متعجب از آنم که واقعه‌هایی را که برخی از ما تحلیلگران امروز می بینیم، دولتها و اپوزیسیون آنها ده سال بعد هم نمی بینند. راز این کور ذهنی آنها چیست، من نمی دانم»، پرسش بسیار هوشمندانه ای که می تواند موضوع تأملات آینده ما باشد.

در اینجا باید یادآور شوم که مقاله «به قراردادهای شرکتهای هواپیمایی ایران با بوئینگ و ارباس بگوئیم نه» که در مجله هفته و پورتال افغانستان آزاد، و سایت مشعل نیز منتشر شد (البته عنوان اصلی مقاله چنین است: «جمهوری اسلامی ایران تا بیش از ۳۱ میلیارد دالر تروریستها را تأمین مالی کرده است. به قراردادهای شرکتهای هواپیمایی ایران با بوئینگ و ارباس بگوئیم نه!») ... این مقاله را در پیوست با یک پیغام الکترونیکی به شرکتهای هواپیمایی ایران برای درخواست باطل نمودن قراردادهای خرید هواپیماهای ارباس و بوئینگ ارسال کرده ام. حمله تروریستی و تداوم تهدیدات اتمی علیه ملت ایران، مدارک و دلایل قانونی برای توجیه نقض قرارداد و رفع مسؤولیت از ایران در قبال خسارت ناشی از نقض قراردادها خواهد بود.

با آگاهی به این امر که تا روزی که نیروهای ناتو از خاورمیانه خارج نشده اند، تروریسم همواره ملت ایران و مردم این منطقه از جهان را هدف قرار خواهد داد، و علاوه بر داعش و طالبان و القاعده و اخوان المسلمین و خلاصه جهان اسلام متحد نظام سرمایه داری کدام تهدید تروریستی و تمدن ستیزی بالاتر از تهدید با سلاح هسته ای می تواند وجود داشته باشد؟ که پیش از همه و پیش از نظامیانی که در سنگرهای زیر زمینی در عمق بیش از ۵۰۰ متر پناه گرفته اند و کمترین خسارات را تحمل خواهند کرد، غیر نظامیان را هدف گرفته و تهدید می کند. جای بسی شگفتی ست که مدافعان حقوق بشر هیچ وقت احساس آرامش و امنیت مردم بی دفاع در مقابل تهدید اتمی کشورهای مسلح به سلاح اتمی را جزء حقوق بشر به حساب نیاورده اند. با این حساب که اخیراً عربستان سعودی در سال گذشته (اخیراً، از قید تاریخ دقیق وقوع آن در اینجا معزوم) بمب هسته ای تاکتیک علیه یمن به

کار برد. تکبر کشورهای امپریالیستی و آنگلساکسون قابل تحمل نیست، از یکسو صد ها میلیارد دلار به شترسواران خرماخور عربستان اسلحه در وضعیت وابسته به مستشاران کشورهای سازنده می فروشند در حالی که معلوم هم نیست با کی می خواهد بجنگد و علیه کدام تهدید خودش را تا این اندازه مسلح می کند؟ به شترسواران سلاح اتمی می دهند، برای پیاده نظامشان از جمله «داعش» برای کارهای تروریستی اسلحه می فرستند، در حالی که مدعی مبارزه علیه تروریسم هستند. و از سوی دیگر بحرین را با کلاهبرداری و توافق رژیم پهلوی از ایران جدا می کنند تا تبدیل شود به پایگاه نظامی امریکا، و بُرد موشکهای کوتاه بُرد (از دیدگاه من ۲۰۰۰ کیلومتر هنوز کوتاه بُرد است) که فاقد تکنولوژی برتر می باشد را پس از بهانه «بمب اتمی ایران» به مثابه بهانه جرم تلقی کرده و به تحریمهایشان ادامه می دهند، و دائماً مردم ایران را با بمب هسته ئی تهدید می کنند.

در چنین چشم اندازی چگونه ممکن است که شرکتهای هواپیمائی ایران تا بیش از ۳۱ میلیارد دلار با امپریالیستها که تروریستهای اصلی هستند معامله کند و حمل و نقل مسافربری ایران را به داعشی ها وابسته کند؟ آیا باید باور کنیم که ارباس و بوئینگ بی تقصیراند و با تروریستهای داعش ارتباطی نداشته اند و به آنها خدمتی نکرده اند؟ پس بچه شیر خوره های ایرانی تقصیر کار هستند که باید قربانی بمب اتمی باشند که می خواهند حتماً به وسیله هواپیماهای ساخت بوئینگ روی سر ملت ایران فرو بریزند؟ شرکتهای هواپیمائی ایران باید پاسخگوی این مسائل و مشکلات باشند و ما برای آگاهی عمومی مردم ایران یک لحظه بی کار نخواهیم نشست. این قراردادها خیانت به ایران و همکاری با تروریسم بین المللی ست و از دیدگاه ما نمی تواند معتبر باشد.

برای ایرانیان دست کم این امکان وجود دارد که علیه این قراردادهای ننگین ضد ایرانی و ضد بشری به شرکتهای هواپیمائی ایران هشدار بدهند که دچار چه اشتباه بزرگی شده اند، و در صورتی که دلیل و برهانهای ما را موجه می دانند، مخالفت خودشان را به هر طریقی به شکل فردی و گروهی به مقامات ایرانی اعلان کنند. من اعتراض خودم را به آدرسهای زیر فرستاده ام که آدرس سایتهای شرکتهای هواپیمائی ایران است.

info@respina24.com

Pr@iranair.com

Complains@iranair.com

Herasat@iaa.ir

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۱۹ جون ۲۰۱۷

ارسال توسط گاهنامه هنر و مبارزه

ویار اتمی رئیس جمهور

ا.م. شیری

به گزارش تلویزیون خبری بی.بی.سی. فارسی انگلیس، بارک اوباما، رئیس جمهور امریکا در جریان سفر هشت روزه آسیائی خود، که برای شرکت در اجلاس سران ۲۱ کشور عضو «آپک» - سازمان همکاری اقتصادی کشورهای آسیا و حوزه اقیانوس آرام - به سنگاپور نیز سفر کرده است، در این کشور گفت: «امریکا آماده است

برای تأمین امنیت این منطقه آسیا، از قدرت بازدارندگی اتمی خود استفاده کند». وی، همچنین این موضوع را مورد تأکید قرار داد که، «امریکا از تسلیحات اتمی ایران و کوریای شمالی نمی ترسد» (۱۴ نوامبر ۲۰۰۹). این اظهارات بسیار خطرناک و خیره سرانه رئیس جمهور امریکا، حاکی از وفاداری او باما به این سنت دیرین کاخ سفید است که همه جنگهای استعماری ایالات متحده امریکا را دموکراتها آغاز کرده اند، جمهوریخواهان ادامه داده اند و دوباره دموکراتها به پایان برده اند. کاخ سفید که متناوباً بین دموکراتها و جمهوریخواهان دست به دست می شود، از جنگهای شبه جزیره کوریا در سال ۱۹۴۸ گرفته تا جنگهای دو دهه اخیر که از حمله به یوگسلاوی و تکه-پاره کردن این کشور آغاز کرد و امروز از افغانستان و عراق تا پاکستان، یمن و عربستان سعودی ادامه دارد، همیشه به این سنت تجاوزکارانه پایبند بوده است.

نا گفته نماند که احتمالاً به خاطر همین بی مبالائی خطرناک رئیس جمهور امریکا بود که کانال تلویزیونی فوق الذکر و همچنین خبرگزاریهای معتبر جهانی اصلاً روی این بخش از گفته های او باما توقف نکردند و همین فرمایشات او باما در سنگاپور، نه تنها از سوی تقریباً همه کارشناسان و تحلیلگران مسائل بین المللی، ناشنیده گرفته شد، حتا، از طرف همه آنهائی که، به بهانه مبارزه برای دموکراسی، کلمه امپریالیسم را از ادبیات سیاسی خارج کرده اند نیز، مورد توجه قرار نگرفت. این دسته توجه ندارند که، مبارزه برای دموکراسی، جدای از مبارزه با امپریالیسم، چیزی جز بازی با کلمات و عبارات نمی تواند باشد.

بارک او باما که با شعار «تغییر» در پایانه هفته سوم ماه اول سال جاری به عنوان چهل و چهارمین رئیس جمهور امریکا سوگند یاد کرد و در کاخ سفید مستقر شد، طبیعی بود که توان انجام تغییرات مثبت، به ویژه در سیاست خارجی امریکا را ندارد. زیرا، هر گونه تغییر در سیاست امریکا به مفهوم تغییر در ماهیت امپریالیستی این کشور است و چنین تغییری هم با تعویض ساکنان کاخ سفید و یا تغییر روش شخصیتها امکان پذیر نیست. فراموش کردن این موضوع که در شرایط سلطه امپریالیسم بر جهان، خطر گر گرفتن آتش جنگها هیچ وقت منتفی نیست، اشتباه بسیار بزرگ و خطرناک آن گروه از سیاستمداران و تحلیلگران مترقی به حساب می آید که به وعده ها و شعار «تغییر» او باما دلخوش کرده و بدون توجه به سرشت طبقاتی امپریالیسم، ماهیت آن را با تغییر لحن در سخنان، رفتارها و روشهای شخصیتها، قابل تغییر می دانند. این دسته از سیاسیون، بدون این که ماهیت مطلقاً ارتجاعی امپریالیسم را مورد توجه قرار دهند، کارگزاران این نظام غیرانسانی را به نیک و بد، به مهربان و خشن تقسیم می کنند و بر اساس این دید غیرعلمی، به نتایج به غایت ارتجاعی، غیرعقلانی و غیرمنطقی می رسند. دیدگاه سیاسی این جماعت، با اصل نظام سرمایه داری، به ویژه، با مرحله امپریالیستی آن مخالفتی ندارد. آنها با تقسیم سرمایه داران به خوب و بد، از «خوبان» پشتیبانی می کنند. این دوستان برای این که توهّمات و ساخته های ذهنی شان فرو نریزد، چشمان خود را بر واقعیات می بندند و بر گوشه‌هایشان پنبه می چنانند تا، زحمت بازنگری به مواضع و نظرات خود را به خود ندهند.

دوره ده ماهه ریاست جمهوری بارک او باما گواه آن است که، شعار «تغییر» وی چیزی نبود جز این که، میدان «جنگ امریکا با تروریسم»، از افغانستان تا پاکستان گسترش یافت و موضوع جنگ، از «بنیادگرایی اسلامی» به جنگ بین شیعه و سنی در شبه جزیره عربستان و یمن تبدیل شد. غیر از این دو «تغییر محسوس»، فعلاً هیچ گونه چشم انداز خلاصی از «چنگال کابوسهای وحشتناک» در سیاست امریکا مشاهده نمی شود.

خواهنا شدن، از هیچ و پوچ، دیو و هیولا ساختن و خود را به وحشتزدگی زدن، همیشه مهمترین شیوه و بهانه امریکا برای لشکرکشی و مستعمره سازی کشورها بوده است. زیرا، تاراج ثروتهای مستعمرات، منبع اصلی تمام

قدرت نظامی و اقتصادی امریکاست و این کشور علی الظاهر بسیار قدرتمند، اولاً- بدون مکیدن شیرۀ جان مردم دیگر کشورها و ثانیاً- بدون چاپ و صدور اسکناس بی پشتوانه که تمام فجایع اقتصادی و گرسنگی مردم جهان از آن است، حتی یک سال، توان سرپا ایستادن را نخواهد داشت. سیاستگزاران امپریالیسم که تا ۲۰ سال پیش، مرتب از هراس شیخ کمونیسم به خود می پیچیدند، بعد از یکسره کردن کار این «شیخ»، به فکر تشکیل خاورمیانه بزرگ افتادند و برای رهائی از کابوس «تروریسم اسلامی» و «بنیادگرایی اسلامی»، خاورمیانه را به خون کشیدند و امروز هم خیال دارند امنیت آسیا را به اتکای توان بازدارندگی اتمی خود تأمین کنند. عجیب این که، تنظیم کنندگان چنین بیانات رئیس جمهور طرفدار «تغییر»، یا معنای امنیتی را که احتمالاً باید به نیروی تسلیحات اتمی امریکا تأمین شود، نمی فهمند و یا خود را به نفهمی می زنند! و از آن عجیب تر این که، این بار کابوس تسلیحات اتمی ایران، که هنوز هیچ نشانه ای از وجود آن در دست نیست و کوریای شمالی که بر کسی روشن نیست اصلاً کلاهی هسته ئی دارد و یا صرفاً برای امتیازگیری از باج خواهان بین المللی، بلوف می زند، خواب بزرگترین قدرت اقتصادی و نظامی - اتمی جهان را بر آشفته است. نکته بسیار ظریف و شایسته توجه این است که، بزرگترین قدرت جهان، یک روز برای مقابله با «تروریسم» به افغانستان تاراج شده و گرسنه لشکر کشی می کند، روز دیگر برای نابود کردن تسلیحات کشتار جمعی موهوم، عراق را تحت اشغال خود در می آورد و به دیگر روز، روستائیان گرسنه پاکستان را هدف حملات هوائی قرار می دهد، در عربستان و یمن، جنگ شیعه و سنی به راه می اندازد و امروز مثل این که، بار دیگر و بار هم به هوس استفاده از تسلیحات اتمی در آسیا افتاده است.

اظهارات رئیس جمهور امریکا در مورد امکان استفاده از قدرت بازدارندگی تسلیحات اتمی این کشور برای «تأمین امنیت» منطقه آسیا، نشان می دهد: ایالات متحده امریکا که به عنوان اولین کشور در تاریخ با بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی ژاپن در ماه اگست سال ۱۹۴۵، سلاح اتمی را علیه بشر به کار برده است، نه درسی از «گذشت روزگار» آموخته است و نه از هیچ «استادی» خواهد آموخت. چرا که، تاراج ثروتهای مردم جهان به هر وسیله ای، تنها «هدف مقدس» صاحبان امروزی اتارونی، سرزمین سرخپوستان است. از نظر کارگزاران امپریالیسم امریکا، مهمترین مسأله، رسیدن به همین هدف است، حتی اگر به قیمت جان صدها میلیون انسان، آلوده و خالی از سکنه ساختن بخش اعظم کره زمین هم تمام شود. تا اینجا، مسأله روشن است. اما، در میانه این میدان، وظیفه نیروهای انساندوست، صلح طلب و عدالتخواه چیست؟ به نظر می رسد که فقط با تکیه بر خرد جمعی، می توان پاسخ دقیق این سؤال را داد!

۲۵ عقرب ۱۳۸۸